###### 28

###### آزاد.jpeg

###### دانشگاه آزاد اسلامي

######  واحد تهران مرکز

**موضوع:**

**ولادت پرشكوه فاطمه و محبت پیامبر نسبت به ایشان، و نقش او در همسری امیر مومنان، نقش او بعد از رحلت پیامبر و حوادث فدک**

**استاد راهنما:**

**دانشجو:**

**فصل اول**

**ولادت پرشكوه فاطمه(س)‏**

**فاطمه بضعة منى و هى نور عينى و ثمرة فؤادى و روحى التى بين جنبى و هى الحوراء الانسية: «فاطمه پاره تن من است، و نور چشمان من، و ميوه دلم و روح من است و او حورى انسان صفت است».**

**پيامبر اسلام(ص) در آن سال كه سال پنجم بعثتش بود در سختترين شرائط و حالات به سر مى‏برد.اسلام منزوى بود، و مسلمانان اندك نخستين، شديداً تحت فشار.محيط مكه بر اثر شرك و بت پرستى و جهل و خرافات و جنگهاى قبايل عرب و حاكميت زور و بينوائى توده‏هاى مردم، تيره و تار بود.پيامبر(ص) به آينده مى‏انديشيد، آينده‏اى درخشان از پشت اين ابرهاى سياه و ظلمانى، آينده‏اى كه با توجه به اسباب عادى و ظاهرى بسيار دور دست و شايد غير ممكن بود.در همين سال حادثه بزرگى در زندگى پيامبر رخ داد، به فرمان خدا براى مشاهده ملكوت آسمانها به معراج رفت، و به مصداق «لنريه من آياتنا الكبرى» آيات عظيم پروردگار در پهنه بلند آسمان را با چشم خود ديد، و روح بزرگش بزرگتر شد، و آماده پذيرش رسالتى سنگيت‏تر توأم با اميد بيشتر.در روايتى از اهل سنت و شيعه - كه هر دو بر آن تأكيد دارند - مى‏خوانيم: پيامبر(ص) در شب معراج از بهشت عبور مى‏كرد، جبرئيل از ميوه درخت طوبى به آن حضرت داد، و هنگامى كه پيامبر(ص) به زمين بازگشت نطفه فاطمه زهرا سلام اللّه عليها از آن ميوه بهشتى منعقد شد.**

**لذا در حديث مى‏خوانيم كه پيامبر(ص) فاطمه سلام اللّه عليها را بسيار مى‏بوسيد، روزى همسرش عايشه بر اين كار خرده گرفت، كه چرا اينهمه دخترت را مى‏بوسى؟!**

**پيامبر(ص) در جواب فرمود:«من هر زمان فاطمه را مى‏بوسم، بوى بهشت برين را از او استشمام مى‏كنم».**

**و به اين ترتيب اين مولود بزرگ از عصاره پاك ميوه‏هاى بهشتى و از پدرى همچون پيامبر(ص)، و مادر ايثارگر و فداكارى همچون «خديجه» در روز بيستم جمادى الثانى گام به دنيا نهاد، و طعن و سرزنشهاى مخالفين كه پيامبر را بدون «نسل جانشين» مى‏پنداشتند، همگى نقش بر آب شد، و به مضمون سوره «كوثر» فاطمه زهرا چشمه جوشان براى ادامه دودمان پيامبر و ائمه هدى و خير كثير در طول قرون و اعصار، تا روز قيامت شد.**

**اين بانوى بهشتى (ص) نام داشت كه هر كدام از ديگرى پر معنى‏تر بود: 1- فاطمه، 2- صديقه، 3- طاهره، 4- مباركه، 5- زكيه، 6- راضيه، 7- مرضيه، 8- محدثه، 9- زهرا و هر يك بيانگر اوصاف و بركات وجود پربركت او است.**

**همين بس كه در نام معروفش «فاطمه» بزرگترين بشارت براى پيروان مكتبش نهفته است، چرا كه «فاطمه» از ماده «فطم» به معنى جدا شدن، يا باز گرفتن از شير است، و طبق حديثى كه از پيامبر گرامى اسلام(ص)‏ روايت شده به امير مؤمنان على(ع) ‏ فرمود:**

**«مى دانى چرا دخترم، فاطمه ناميده شد؟**

**عرض كرد:بفرمائيد.**

**فرمود:براى آنكه او و شيعيان و پيروان مكتبش از آتش دوزخ باز گرفته شده‏اند»!**

**از ميان نامهاى او نام «زهراء» نيز درخشندگى و فروغ خاصى دارد، از امام صادق(ع) پرسيدند:چرا فاطمه را «زهراء» مى‏نامند؟**

**فرمود:«زيرا زهراء به معنى درخشنده است و فاطمه چنان بود كه چون در محراب عبادت مى‏ايستاد و نور او براى اهل آسمانها پرتو افكن مى‏شد، همانگونه كه نور ستارگان براى اهل زمين [پرتو افكن است‏]. لذا زهراء نام نهاده شد».هنگامى كه خديجه زنى با شخصيت و معروف به بزرگى بود، با پيامبر اسلام(ص) ‏ ازدواج كرد زنان مكه از او قطع رابطه كردند، و گفتند: او با جوان تهى دست و يتيمى ازدواج كرده و شخصيت خود را پائين آورده است!**

**اين وضع همچنان ادامه يافت تا اينكه خديجه باردار شد و جنينش كسى جز فاطمه زهرا نبود.به هنگام وضع حمل به سراغ زنان قريش فرستاد و از آن‏ها خواست كه در اين ساعات حساس و پردرد و رنج به يارى او بيايند و تنهايش نگذارند، اما او با اين پاسخ سرد و درد آلود روبرو شد كه:«تو سخن ما را گوش نكردى، با يتيم ابوطالب كه مالى نداشت ازدواج نمودى، ما نيز به كمك تو نخواهيم شتافت»!**

**خديجه با ايمان، از اين پيام زشت و بى معنى سخت غمگين شد، اما در اعماق دلش نور اميدى درخشيد كه خدايش او را در اينحال تنها نخواهد گذاشت.لحظات سخت و بحرانى وضع حمل آغاز شد، او در محيط خانه تنها بود، و زنى كه او را كمك كند وجود نداشت، قلب او فشرده‏تر مى‏شد، و امواج خروشان بى مهريهاى مردم روح پاكش را آزار مى‏داد.ناگهان برقى در افق روحش درخشيد، چشم بگشود و چهار زن را نزد خود ديد، سخت نگران شد. يكى از آن چهار زن صدا زد:**

**نترس و غمگين مباش. پرودرگار مهربانت ما را به يارى تو فرستاده است ما خواهران توايم.**

**من ساره‏ام!و اين يك آسيه همر فرعون است كه از دوستان تو در بهشت خواهد بود.**

**آن ديگر مريم دختر عمران.و اين چهارمى را كه مى‏بينى دختر موسى بن عمران، كلثوم است!ما آمده‏ايم كه در اين ساعت يار و ياور تو باشيم.و نزد او ماندند تا فاطمه بانوى اسلام ديده به جهان گشود.آرى به مصداق‏((ان الذين قالوا ربنا اللّه ثم استقاموا تتنزل عليهم الملائكة الاتخافوا و لاتحزنوا)). كسانى كه بگويند پروردگار ما اللّه است، فرشتگان بر آن‏ها نازل مى‏شوند و مى‏گويند نترسيد و اندوهى به خود راه ندهيد»**

**در اينجا نيز علاوه بر فرشتگان، ارواح زنان با شخصيت جهان به يارى خديجه با ايمان و پر استقامت شتافتند.تولد اين مولود خجسته آنچنان پيامبر(ص) را خشنود كرد كه زبان به مدح و ثناى پرورگار گشود، و زبان بدخواهان كه او را ابتر مى‏خواندند، براى هميشه كوتاه شد.خداوند مژده اين مولود پربركت را در سوره كوثر به پيامبرش داد و فرمود:انا اعطيناك الكوثر.فصل لربك وانحران شانئك هو الابتر»:ما سرچشمه جوشان خير كثير را به تو بخشيديم.اكنون كه چنين است، براى پرودگارت نماز بجاى آور و تكبير گو!مسلماً دشمن تو، ابتر است!**

1. **رياحين الشريعه، جلد1، صفحه .21
2. اين حديث را با مختصر تفاوتى «سيوطى» در درالمنثور و «طبرى» در ذخائر العقبى و «على بن ابراهيم» در تفسير خود نقل كرده‏اند. گرچه معروف است كه معراج در سالهاى آخر توقف پيامبر(ص) در مكه بوده، ولى به طورى كه از بعضى از روايات استفاده مى‏شود معراج مكرر اتفاق افتاده است، بنابراين منافاتى با تولد بانوى اسلام در سال پنجم بعثت ندارد.
3. اين حديث در بسيارى از كتب اهل سنت از جمله «تاريخ بغداد» و «صواعق ابن حجر» و «كنز العمال» و كتب ديگر آمده است .
4. مضمون اين حديث را گروهى از دانشمندان اهل سنت از جمله «طبرى» در «ذخائر العقبى» نقل كرده است.
5. سوره فصلت، آيه .30**